

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث ما در آیات شریفه‌ای است که می‌توان عالم برزخ را از آن استفاده کرد. تا اینجا چند آیه را مورد بحث قرار دادیم، یکی از آیاتی که احتمال یا بالاتر از احتمال، دلالت روشن بر مسئله برزخ دارد، آیات 55 و 56 سوره مبارکه روم است؛ «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ، وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» کلامی که مجرمین در روز قیامت بیان می‌کنند و جوابی که روز قیامت به این مجرمین داده می‌شود؛ ترجمه اجمالی آیه این است که وقتی قیامت برپا می‌شود، مجرمین قسم یاد می‌کنند که ما مدت کوتاهی مکث داشتیم و توقف ما غیر ساعه نبوده، به اندازه يك ساعت بوده. بعد خدا می‌فرماید «كذلك كانوا يؤفكون» که این يؤفكون یا به معنای کذب است که اینها دروغ می‌گویند و یا اینکه اینها باطل را حق می‌بینند و حق را باطل «يؤفكون يصرفون وجوههم عن الحق إلى الباطل» حق را نمی‌خواهند نگاه کنند و باطل را نگاه می‌کنند. حق را به لباس باطل می‌بینند یا باطل را به لباس حق می‌بینند، در آیه بعد می‌فرماید «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ» علم در این آیه شریفه به معنای یقین است نه این علم دنیوی. آنهایی که به آنها یقین بالله و ایمان داده شده در جواب مجرمین می‌گویند «لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» ما مکث کردید در کتاب خدا تا روز قیامت «فهذا يوم البعث» امروز هم روز قیامت است «وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

در اینجا فخر رازی سه احتمال در «ما لبثوا غیر ساعه» داده؛ مجرمین قسم می‌خورند که اینها توقف نکردند الا به اندازه يك ساعت. یکی اینکه احتمال اول این است که متعلق این ما لبثوا یعنی در دنیا، یعنی ما لبثوا في الدنيا غیر ساعه، مجرمین می‌گویند تمام ماندن ما در دنیا به اندازه يك ساعت بوده، احتمال دوم این است که متعلق این «ما لبثوا» قبور است، یعنی در عالم برزخ به اندازه يك ساعت بر ما گذشت، و بعضی به همین آیه شریفه استدلال کرده‌اند بر نفي عذاب در قبر، گفتند وقتی مجرمین می‌گویند تمام دورانی که در عالم قبر بر ما گذشت به اندازه يك ساعت بوده، به این معناست که اینها عذاب قبر نداشتند و در عالم قبر عذابی وجود ندارد، چون بعضی بر این نظر هستند که می‌گویند جهنم و بهشت مربوط به قیامت است و ما در برزخ عذاب و نعمت و ... نداریم که قول نادری است، چون اکثر آیات قرآن، مخصوصاً آیه‌ای که دیروز خواندیم «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ مَا غُفِرَ لِي ربي و جعلني من المكرمين» آن آیه شریفه که دیروز خواندیم صریح در این بود که ما جنت برزخی و بهشت برزخی داریم. علی‌ای حال بعضی متعلق این «ما لبثوا» را قبور قرار می‌دهند که می‌گویند «ما لبثوا غیر ساعه» متعلقش قبور است، در عالم قبر ما به اندازه يك ساعت بودیم، خدا می‌فرماید «كذلك كانوا يؤفكون» اینها این چنین دروغ می‌گفتند و می‌گویند و چهره‌شان را از حق به طرف باطل برمی‌گردانند «يؤفكون يصرفون وجوههم عن الحق إلى الباطل» این هم احتمال دوم.

احتمال سوم این است که «ما لبثوا من وقت فناء الدنيا الي وقت النشور» یعنی از وقتی که دنیا از بین رفت نه از وقتی که اینها در قبر داخل شدند، می‌گویند از وقتی که دنیا از بین رفت و تمام شد تا وقتی که بعث واقع شد به اندازه يك ساعت بیشتر نشده.

احتمال چهارم این است که «ما لبثوا بعد عذاب القبر» یعنی مجرمین را در عالم برزخ عذاب می‌کنند، گرفتار عذاب قبر می‌شوند اما این عذاب قبرشان يك ساعت مانده به اینکه عالم بعث و قیامت برپا شود قطع می‌شود. «ما لبثوا بعد عذاب القبر إلی يوم البعث» پس این هم شد چهار احتمال در این آیه شریفه.

احتمال اول اینکه اینها دارند حرف دنیای‌شان را می‌زنند و هنوز آن تعلقات دنیوی را دارند که می‌گویند ما در دنیا يك ساعت بیشتر نبودیم. احتمال دوم این است که در عالم قبر يك ساعت بیشتر نبودیم. احتمال سوم از وقت فناء دنیا تا وقت بعث قیامت. احتمال چهارم این است که از بعد از انقطاع عذاب در عالم قبر تا يوم البعث.

مرحوم علامه رضوان الله تعالی علیه این دو آیه و چند آیه قبل را می‌فرماید دنباله‌ی آیات قبلی است که در همین سوره مبارکه روم آمده؛ در آیات قبل بحث از فرستادن آیات و اقامه حجّت بر وجود خدا، وحدانیّت خدا و بر روز قیامت، و این آیات هم مرتبط به آن است تا آخرین آیه‌ای که در سوره روم است «فاصبر إنّ وعد الله حقّ» می‌فرماید این آیاتی که الآن مجرمین این را می‌گویند «الذین اوتوا العلم و الإيمان» جوابشان را می‌دهند، اینها مقدمه است برای آخرین آیه‌ای که در این سوره آمده و در نتیجه علامه می‌فرماید خدای تبارک و تعالی بعد از اینکه آیات و نشانه‌ها و حجج را بر اینها فرستاد می‌فرماید اینها آدم‌هایی نیستند که ما از اینها انتظار ایمان را داشته باشیم و اینها آدم‌هایی هستند که حق را کتمان می‌کنند، حق را باطل می‌دانند و یکی از نشانه‌هایش همین است که وقتی روز قیامت مبعوث می‌شوند با اینکه اینها مدّتی را در عالم قبر بوده‌اند، می‌گویند «ما لبثوا غیر ساعة».

مرحوم علامه می‌فرماید چون مشرکین، گناهکاران، کفار خصوصیت دنیوی‌شان این بوده که حق را بطلان ببینند، این خصوصیت تا روز قیامت ادامه پیدا می‌کند، روز قیامت هم وقتی محشور می‌شوند باز حق را انکار می‌کنند و می‌گویند ما در عالم قبر به اندازه يك ساعت که بیشتر نبودیم! این خصوصیت ذاتی اینهاست، انکار حق يك خصوصیت ذاتی است برای این مجرمین و گناهکاران، می‌فرماید: «و هذا الإفک و التقلب من الحق إلی الباطل يدوم علیهم و یلازمهم حتی قیام الساعة فیظنون أنهم لم یلبثوا فی قبورهم فیما بین الموت و البعث» باز روز قیامت که می‌شود روی آن شیوه باطلی که در دنیا داشتند که حق را به لباس باطل نگاه می‌کردند دو مرتبه آنجا هم می‌گویند ما در عالم قبر به اندازه يك ساعت بیشتر نبودیم. «فاشبهه علیهم أمر البعث كما اشتهه علیهم کل حق فظنوه باطل» هر حقیّی بر اینها مشتبه بوده و باطل حساب می‌کردند و این خصوصیتی بوده که اینها در دنیا داشتند و این خصوصیت در قیامت هم ادامه پیدا می‌کند، يوم البعث هم که می‌شود به جای اینکه بگویند ما مدّتی در عالم برزخ بودیم می‌گویند «ما لبثوا غیر ساعة».

مرحوم طبرسی در مجمع البیان اقوال را که نقل می‌کند، می‌گوید «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ أي یحلف المشركون ما لبثوا فی القبور غیر ساعة واحده عن الکلبی و مقاتله» دو نفر از مفسرین گفته‌اند مشرکین قسم می‌خورند که ما لبثوا فی القبور غیر ساعة. اینجا این نکته را عرض کنیم که معمولاً انسان‌های گناهکار و مجرم بر آن مطلب باطل‌شان قسم یاد می‌کنند و این از خصوصیات انسان‌هایی است که حرف حق را نمی‌خواهند بزنند، انسانی که حرف حق را می‌خواهد بیان کند نیاز به قسم ندارد. آدم‌هایی که در دنیا بر مطالب باطل‌شان قسم می‌خورند ظاهر این آیه شریفه این است که این روحیه و این روش در قیامت هم تجلّی پیدا می‌کند که آنجا هم قسم می‌خورند که ما به اندازه يك ساعت بیشتر در عالم قبر نبودیم.

معنای دوم که فخر رازی نقل کرده «وَقِيلَ يَحْلِفُونَ مَا مَكْتُوثًا فِي الدُّنْيَا غَيْرَ سَاعَةٍ» در دنیا بیشتر از يك ساعت نبودند «لَا اسْتِقْلَالَهُمْ مَدَّةَ الدُّنْيَا» چون مدت دنیا را خیلی کم می‌شمردند می‌گویند دنیا برای ما چیزی نبود. «وَقِيلَ يَحْلِفُونَ مَا لَبِثُوا بَعْدَ انْقِطَاعِ عَذَابِ الْقَبْرِ» همین احتمالی که عرض کردیم «عَنِ الْجَبَائِي».

نتیجه این شد که آیه شریفه چهار احتمال دارد؛ از اینکه می‌فرماید «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ» این قرینه می‌شود بر اینکه این ما لبثوا مربوط به قبل از قیامت است و از اینکه می‌گوید «كَانُوا يُؤْفَكُونَ» اگر ما لبثوا را مربوط به دنیا قرار بدهیم که این افك نیست، چون خود ما روایاتی هم داریم که تمام دنیا به اندازه يك لحظه است، حالا آنها بگویند دنیا به اندازه يك ساعت بوده که افك نیست! افك این است که اینها بخواهند مدتی که عالم برزخ بودند را انکار کنند و آیه بعد که ضمیمه می‌شود «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ» آنهایی که یقین به خدا دارند و ایمان دارند، در جواب به اینها می‌گویند «لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» این کتاب الله به کُتُب سماوی تطبیق شده اما از همه بهتر این است که بگوئیم مراد از کتاب الله همان لوح محفوظ است، در لوح محفوظ «لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» توقف شما در آنجا مشخص بوده که چه مقدار توقف است.

پس از میان این احتمالات؛ اینکه بگوئیم ما لبثوا یعنی ما لبثوا في الدنيا، اگر این باشد که دیگر دلالت بر عالم برزخ ندارد، اگر ما لبثوا یعنی ما لبثوا في القبور یا لبثوا من بعد انقطاع عذاب القبر إلى يوم القيامة، همه اینها دلالت بر عالم برزخ دارد، یعنی روز سه احتمال از این چهار احتمال ما برزخ را می‌توانیم نتیجه بگیریم فقط روی يك احتمال که مراد از این لبثوا یعنی لبثوا في الدنيا، دیگر نمی‌شود از آن برزخ را استفاده کرد و هم «يوم تقوم الساعة» و هم آن «قال الذين أوتوا العلم والإيمان» قرینه می‌شود که اینها مربوط به لبث در عالم برزخ حرف می‌زنند و «كذلك كانوا يؤفكون» هم قرینه بر این معناست.

نکته مهم این است، يك مطلبي که در السنه مشهور است اینکه يوم قیامت يوم كشف حقایق است و آنجا دیگر کسی نمی‌تواند چیزی را انکار کند، اگر کسی در دنیا جرمی را خدایی نکرده مرتکب شده آنجا نمی‌تواند تکذیب کند، آن وقت چطور اینها دارند آنجا هم این دروغ را می‌گویند.

جواب دوم «إِنَّهُمْ اسْتَقْلَ الدُّنْيَا لَمَّا آتُوا مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ» اینها دارند دنیا را نسبت به آخرت یا برزخ را نسبت به آخرت مقایسه می‌کنند، می‌گویند دنیا پیش آخرت به اندازه يك ساعت است، برزخ در مقابل آخرت به اندازه يك ساعت است. «فَكَأَنَّهُمْ قَالُوا مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا سَاعَةٌ» دنیا نسبت به آخرت به اندازه يك ساعت است، این دیگر دروغ نیست! دنیا را خیلی قلیل می‌شمارند «فَاسْتَقْلُوا حَيْثُ اشْتَغَلُوا فِي الْمَدَّةِ الْيَسِيرَةِ بِمَا أُورِدَهُمْ تِلْكَ الْأَهْوَالُ الْكَثِيرَةُ» در این مدت کوتاه حالا احوال عظیمه و گردنه‌های خیلی مشکل را الآن در پیش دارند. گاهی اوقات وقتی در بعضی از روایات داریم که برای حساب و کتاب مثلاً چندین هزار سال کسی را معطل می‌کنند، می‌گویند سال آنجا به اندازه سال دنیا نیست و اصلاً قابل مقایسه نیست، این هم بیان دومی که در اینجا هست.

«ثَالِثُهَا: أَنْ ذَلِكَ يَجُوزُ أَنْ يَقَعَ مِنْهُمْ قَبْلَ إِكْمَالِ عَقُولِهِمْ» می‌گوید يك کسی به نام ابی‌بکر بن اخشید این نظیه را دارد که وقتی در قیامت محشور می‌شوند، همان لحظات اولیه اینها حرف را می‌زنند «يَقْسِمُ الْمَجْرُمُونَ» ولی بعداً خداوند عقل همه اینها را اکمال می‌کند و بعد از اکمال عقول دیگر این حرفها را نمی‌زنند و این حرف برای قبل از اکمال عقول است.

پس این سه جواب در اینجا مطرح شد. يك: يقسم المجرمون به حسب ظن و گمان شان. دو: اینکه دنیا را در مقابل آخرت ميگویند ليس إلا ساعة. سه: قبل اكمال العقول است.

(سؤال و پاسخ استاد): اكمال عقول يعني اینکه وقتی در قیامت انسان ها را محشور کردند، آرام آرام عقل شان کامل مي شود و هر کسي کم کم واقف بر اعمال خودش مي شود، واقف بر نتیجه اعمالش مي شود، این حرف را قبل از آن مي زنند.

عمده این است که اساساً خود این سؤال يك مقدار محل تأمل است؛ اینکه ما بگوئیم دار آخرت جاي انکار نیست، چرا؟ ولي انکاري است که بلا فاصله جوابش آماده است، اینکه ما بگوئیم آنجا جاي این نیست که انسان انکار کند. ببینید این آیاتي که داریم، يك عده اي از مجرمين در جهنم به رؤساي خودشان ميگویند شما ما را گرفتار کردید آنها هم ميگویند نه، خودتان این بلا را بر سر خودتان آوردید، پس اگر واقعاً جاي حقایق است پس نباید جاي این سؤال و جواب هم باشد، خودشان باید بفهمند که خودشان بر خودشان کردند، خودشان بر خودشان بد کردند، در واقع این مطلب مطلبي نیست که بگوئیم چون قیامت جايي است که جاي کشف الحقایق است، پس انسان در آنجا از اول حرف کذب و خلاف واقع نميگوید! و اساساً از این کلام مرحوم علامه همین استفاده مي شود، وقتی که اینها در دنیا مبتلاي به افک بودند، حق را در لباس باطل قرار مي دادند، علامه ميگوید در آنجا هم همینطور است و ظاهرش همینطور است «كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ» این افک را آنجا هم دارند، این تقلب را در آن عالم هم دارند.

لذا ما اصلاً بیائیم در این تأمل کنیم؛ حالا باز باید ببینیم واقعاً این مدعا که «مع أن معارفهم في الآخرة ضرورية» از کجاست؟ آنجا هم حرف دروغ دارند، آیه قرآن ميگوید «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ» آنجا قسم مي خورد! اگر واقعاً اینطور است، پس چرا قسم مي خورد؟ بیائیم جواب بدهیم «يقسم المجرمون بنا بر ظن شان؟ نه، اینها در آنجا ميگویند «ما لبثوا غير ساعة» این حرف هم باطل است و آیه شریفه ي در «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ» بعضي گفته اند این اوتوا العلم و الإيمان ملائکه ي الهي هستند، بعضي گفته اند مؤمنين هستند، برخي گفتند انبياء هستند، مصاديقش مختلف است و همه اینها مي توانند باشند، جمع شان هم مانعي ندارد «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» که این في كتاب الله باید مؤخر در معنا باشد يعني «لقد لبثتم إلي يوم البعث في كتاب الله» از اول مقدّر شده بود که شما در برزخ چقدر بمانید، به همان اندازه بودید و يك ساعت هم نبوده! «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ» امروز هم روز بعث است.

پس نتیجه این شد که ما از آیه شریفه مي توانیم مسئله برزخ را استفاده کنیم، این يك. اینکه مجرمين در قیامت قسم دروغ بخورند هم امتناعي ندارد، منافات با اینکه آن عالم زمینه ي براي این است که انسان هر حقی را بخواهد بفهمد مي تواند بفهمد. فرق آن عالم و دنیا این است که اگر در اینجا خدایي نکرده کسي قسم دروغ خورد، بلا فاصله روشن نمي شود که این قسم دروغ خورده، ممکن است تا آخر عمرش هم کسي نفهمد، ولي در قیامت قسم دروغ مي خوردن و بلا فاصله روشن مي شود، جاي انکار هست بلا فاصله جواب داده مي شود، ما باید بر حسب ظاهر آیات اینطور بگوئیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين